

### به مناسبت ۸ مارس (روز جهانی زن)

### ایسکرا می پرسد؟

آزادیخواهانه را ترسیم نمود. علاوه بر این نکات عمومی یادمان باشد، بیحقوقی مطلق زنان صفت مشخصه حاکمیت جمهوری اسلامی است. روز ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن و دستاوردهای پیشرو تاکنونی مبارزات آزادیخواهانه زنان در سطح بین المللی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها رسمیتی ندارد، بلکه این رژیم مستقیماً و آشکار علیه آن است. زن آزاری و ضدیت با حقوق زنان، اولین و شاید شاخصترین صفت این رژیم است. گرامیداشت موفق ۸ مارس، برگزاری اجتماعات و مراسم و متینگ و اقدامات دیگر به این مناسبت اهمیت فراوانی دارد و مستقیماً به معنای به مصاف کشیدن و به عقب راندن رژیم هار اسلامی و تقویت جنبش برابری طلبی زنان در ایران است. میدانیم که جنبش اعتراضی زنان در ایران جنبشی قدرتمند در صحنه سیاسی است، اعتراض وسیع علیه بیحقوقی زنان وجود دارد، تناسب قوای سیاسی به نفع به میدان آمدن هر چه وسیعتر و سریعتر این جنبش و کل جنبش اعتراضی رادیکال تغییر نموده است، باید دست بکار شد و ۸ مارس امسال میتواند، صحنه به میدان آمدن صف وسیع و متحد و متشکل زنان و مردان آزاده در راه تامین حقوق برابر زن و مرد و علیه

هشتم مارس (۱۷ اسفند)، روز جهانی زن در راه است. حزب کمونیست کارگری کمپینی را به این مناسبت اعلام کرده است. تشکیلات کردستان حزب در این رابطه چه اقداماتی را در دستور کار دارد؟

رحمان حسین زاده: سیاست و اقدامات مورد نظر کمپین حزب به مناسبت ۸ مارس ناظر بر فعالیتهای حزب در شهرهای کردستان است. ارزیابی ما اینست که دلیل تناسب قوای مساعد به نفع مبارزه جویی مردم علیه رژیم اسلامی و هم به دلیل نفوذ سیاسی و عملی بالای حزب در شهرهای کردستان و در صفوف زنان و مردان آزادیخواه، میتوانیم بر شکل دادن به تحرکی گسترده و رادیکال در گرامیداشت ۸ مارس، در دفاع از حقوق برابر زن و مرد و علیه بیحقوقی زنان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نقش موثری داشته باشیم.

۸ مارس مناسبتی است که در آن تجارب و دستاوردهای تاکنونی چندین دهه مبارزات آزادیخواهانه در دفاع از حقوق برابر زن و مرد و برای رهایی زن از ستم و تبعیضات نظام سرمایه داری و جامعه مردسالار را یادآور شد. بیحقوقی زنان را در دنیای معاصر افشا و نقد نمود و مسیر رهایی و به میدان آمدن جنبش برابری طلبی و

قوانین و حاکمیت مذهب و جمهوری اسلامی باشد. محور کار ما اینست حرکتی را تقویت کنیم و یا ایجاد کنیم که به مناسبت ۸ مارس اجتماعات، متینگها و راهپیماییهای را در سطح هر شهر و یا در دانشگاهها و دبیرستانها و کارخانه ها و مراکز کار سازمان دهد. روز ۸ مارس را به عنوان روز برابری زن و مرد اعلام کند، و مشخصاً حجاب را به عنوان شاخص بیحقوقی زن در جمهوری اسلامی دور بیندازد. ۸ مارس امسال میتواند روز پرت کردن و سوزاندن حجاب این سمبل ارتجاع و بیحقوقی مطلق زنان باشد. صدور قطعنامه در دفاع از حقوق زنان، علیه حجاب و علیه بیحقوقی زنان در جمهوری اسلامی و در دفاع از به رسمیت شناختن ۸ مارس روز جهانی زن در ایران، اعلام موجودیت کانونها و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق زنان میتواند رؤس اقدامات در این روز باشد. علاوه بر این فکر میکنم فضای سیاسی در شهرها اجازه میدهد که حداقل از یک هفته قبل از ۸ مارس اقدامات متنوع و ابتکارات دیگری را هم به این مناسبت شروع کرد. شعار نویسی در سطح شهر و اماکن عمومی، پخش تراکت و اطلاعیه، سرپیچی از موازین و قوانین ارتجاعی تحمیلی برای نمونه رعایت نکردن جداسازی زن و مرد در اجتماعات عمومی و در مراکز آموزشی

مقابله بپردازد. اینها بحدی منفورند که هر عمل اعتراضی مردم و جوانان بسرعت بهانه ای برای تعرض وسیع مردم به آنها میشود. محله و مدرسه و دانشگاه و محیط کار باید از نیروی انتظامی و پاسدار و بسیجی پاک شود.. الگوی جوانان و مردم مریوان میتوانند و باید در همه جای ایران به

**راديو انترناسيونال**  
(بخش کردی)  
روزهای پنجشنبه هر هفته  
از ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم  
بعدازظهر به وقت تهران  
موج کوتاه ردیف ۳۱ متر  
برابر با ۹۴۵۰ کیلوهرتز.

روش مقابله جوانان و مردم با نیروهای سرکوبگر تبدیل شود. رژیم اسلامی در پایان راه است. اینرا خودشان هم میدانند. آینده با جوانان است. آینده به نسلی تعلق دارد که به چیزی کمتر از یک جامعه خوشبخت و آزاد و برابر، یک جامعه سوسیالیستی، رضایت نخواهد داد. ■

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

فراکسیون  
نمایندگان کرد  
صفحه ۲

دم خروس  
صفحه ۳

ذوق زدگی  
عبدالله مهتدی  
صفحه ۳

مضحکه دولتی  
۲۲ بهمن  
صفحه ۴

**راديو انترناسيونال**  
هر شب  
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه  
بوقت تهران  
۴۱ متر برابر با  
۷۵۲۰ کیلوهرتز  
تلفن:  
۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹  
مرکز اطلاعات و پیامگیر  
۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

**ایسکرا**  
سردبیر: ایرج فرزاد  
iraj\_farzad@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱  
فکس: 00448701687574  
آدرس:  
K.F.K.S  
Box 15203  
104 65 Stockholm  
پست گیرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

## فراکسیون نمایندگان کرد، آب در هاون می‌کوبند



عبدالله دارابی

احساسات عقب مانده و عشیره‌ای، از رشد و نفوذ کمونیسم در کردستان و مبارزه مردم برای به زیر کشیدن حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی جلوگیری کنید. رژیم اسلامی فرومیپاشد و دور نیست روزی که مردم ایران سران رژیم را که بیست سال بی وقفه قتل و کشتار و جنایت کردند، به پای میز محاکمه بکشاند. مردم کردستان اهداف فراکسیون کذائی را می‌شناسند، با شما همان رفتاری خواهد شد که با دیگر عوامل حافظ این رژیم خواهند داشت. عوامفریبی و اطوارهای کردایتی راه بجائی نمی برد، بدانید که باید در برابر مردم جابگو باشید. ژانویه ۲۰۰۱

### گزارشی از درگیری دست‌فروشان شهر سنندج با نیروهای انتظامی رژیم

در روز پنجشنبه اول فوریه بدنبال اظهارهای مکرر شهرداری به دستفروشان میدان مرکزی و خیابان سیروس شهر سنندج برای تخلیه آن محلها و نقل مکان به جای دیگری بنام "چشم قصاب خانه" درگیری بین نیروهای انتظامی و دستفروشان روی میدهد. مردم محل از دستفروشان حمایت میکنند. ماموران رژیم چند نفر از آنها را دستگیر کرده اند. دستفروشان از رفتن به محل جدید امتناع میکنند چرا که موقعیت محل جدید در خارج از محدوده شهر است و طوری است که فقط کسانی که دارای ماشین هستند میتوانند به آنجا سری بکشند. و این در شرایط بیکاری فزاینده و فقر مردم زحمتکش دستفروشان را از امکان درآمد ناچیزی که از این شغل اجباری دارند کم و کمتر میکند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با صدور اطلاعیه‌ای در مورد مقاومت دست فروشان سنندج در برابر زورگوییهای رژیم، مردم زحمتکش را به مبارزه برای بیمه بیکاری و حق معاش و درخواست تامین محل کار مناسب و تضمین امنیت اجتماعی فراخوانده است.

انواع ارتجاع و کینه‌توزی قومی و ملی به زبان "اصیل" کردی پر کرده‌اند، اما نتوانستند از تلاش مردم برای یک زندگی امن و در یک شرایط انسانی و مدنی جلوگیری کنند و کینه و نفرت بی حد و حصر مردم کردستان عراق و ایران را علیه احزاب قومی و مذهبی مورد حمایت فراکسیون کذائی در کردستان عراق کاهش دهند.

بنابراین با علم به این حقایق آشکار که از چشم مردم کردستان پوشیده نیست، شما، "نمایندگان محترم فراکسیون"، بدانید که قادر نخواهید بود با تکابه ناسیونالیسم و کردایتی و تحریک

هزاران جوان را در دستور کار خود گذاشتند، پرده پوشی کنند. این عالیجنابان که از روی خوش باوری و معامله گری جریانات ناسیونالیست کرد حساب باز کرده‌اند، نمی‌خواهند متوجه شوند که مردم کردستان کلیت جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. رژیم نمیتواند با مدرسه کردی و باد زدن به ارتجاع و کهنه پرستی به زبان کردی، خود را از سقوط مرگ نجات دهد. افراد فراکسیون با توسل به هر گونه فریب و ریاکاری می‌خواهند لب تیز خواست های مردم را با وعده و وعید های پوچ و بی مایه خود کند کنند. آنها بخوبی می‌دانند بانی اصلی نبودن آزادی های اجتماعی، فرهنگی، آزادی بیان، قلم، تشکل، پوشش و ... خود رژیم اسلامی در اشکال دستگاه های قضایی، قانونگذاری و مجریان قانون ... است که بدون برچیدن آن حرف زدن از هر نوع آزادی در ایران با حکم سرکوب و اعدام پاسخ می‌گیرد.

علاوه بر آن حتی اگر معیار آزادی مردم و رفع ستم ملی آنها با تدریس زبان کردی در مدارس و رقص کردی با جامانه وبدون جامانه و.... اندازه گیری می‌شد می‌بایست صدام حسین و رژیمش تا ابد در کردستان عراق حکمران و میدان دار باقی می‌ماندند، چرا که صدام بر مراتب بیشتر از اینها سابقه به بازی گرفتن و چنگ زدن به تحریکات ناسیونالیستی کرد را پشت سر دارد. تدریس به زبان کردی در مدارس تا پایان دوره دبیرستان و حتی دانشگاه بر قرار بود، ده ها و صد ها کلوب فرهنگی و هنری با انواع و اقسام لباسهای کردی و فولکلوریک دایر بود، مجلسی فرمایشی با به اصطلاح "نمایندگان" کرد زبان آن دایر بود. اما همین مردم، بمحض تغییر اوضاع سیاسی در عراق و تغییر تناسب قوا به نفع خویش، بدون اتلاف وقت در مدت زمان بسیار کوتاهی ماشین دولتی مخوف و سرکوبگر رژیم بعث فاشیست را بکلی در هم کوبیدند. فراتر از این در طول حاکمیت احزاب عشایری بر کردستان عراق، همه جا را از

جمله عضو فراکسیون نماینده گان کرد در این مجلس می‌باشد. بها ادب در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۱ در گفتگویی با روزنامه آفتاب یزد به نقل از بیاننامه فراکسیون، با امضا خود و جلالی زاده و رحمان نامجو نماینده شهر بوکان، که در روز ۱۴ ژانویه ۲۰۰۱ منتشر ساخته‌اند می‌گوید: "ما از مردم کردستان ایران خواستیم که آرامش خودشان را حفظ کنند تا ما بمشابه نماینده آنها در پارلمان کارکنیم و برای متحقق ساختن آرزوهایشان فعالیت نماییم." در ادامه همین گفتار اضافه نموده "عده‌ای ناراضی هستند که میخواهند نشان دهند کردستان منطقه ای پرآشوب و تشبیت نشده است. ولی در واقع وضعیت کردستان ایران بر عکس آن است. با وجود آنها ما بخاطر پیشرو داشتن انتخابات ریاست جمهوری، از مردم کرد خواسته ایم تحت تاثیر تبلیغات ناراضیان قرار نگیرند."

بها ادب، در همین گفتگو جای دیگر می‌گوید: "خاتمی، نسبت به مردم کرد نظر مثبت دارد. او انسانی آزادیخواه، پاک و بدور از برتری طلبی ملی است و برای مردم سالاری و دموکراسی و چند حزبی ارزش زیادی قائل است و به آن اهمیت فراوان میدهد و.... این مزدوران میخواهند خود را به فراموشی بزنند که مردم کردستان نماینده تام‌الاختیار امام "راحل" خلخال را خوب می‌شناسند و از موج اعدامهای وحشیانه او هنوز خاطرات وحشتناکی دارند، انگار که کردستان کارگری بیکار نشده و کودکی بی شیر و بی تغذیه نمانده، زنی سنگسار و جوانی بی آینده نشده است، انگار گلوله باران ۲۴ روزه شهرسنندج و دیگر شهرهای کردستان، باران رحمت الهی بوده که امام در خلوت خود با خدا، ریزش آترا بر سر کودک و پیر و جوان کرد طلب کرده است. انگار مخاطبین خود را هم آخوند و ملا و ریزه‌خوار فرض کرده است که بتوانند این حقیقت را که این جمهوری اسلامی و مهره‌های آنند که برنامه‌ریزی شده و طبق نقشه معتاد کردن

بدوا لازم است گذرا به اهداف این فراکسیون نگاهی بیفکنیم سپس در همین چهار چوب نقش و جایگاه شخصیت های (مجریان) آترا نیز به نمایش گذاریم. فراکسیون نماینده گان مناطق کردنشین در وهله اول برای مقابله با رشد و نفوذ سنت کمونیستی و رادیکال در کردستان که به وزنه ای موثر در معادلات سیاسی کردستان و مانعی جدی در سر راه حاکمیت ارتجاعی رژیم تبدیل شده از یکسو، و از سوی دیگر برای مقابله با خواست عادلانه مردم کردستان ایران برای رفع ستم ملی و خواست سرنگونی رژیم و با اهداف تقویت و حمایت از احزاب قومی و مذهبی در سطح منطقه و اشاعه سنت های ارتجاعی و کهنه پرستانه در میان مردم کردستان ایران تشکیل شده است. با توجه به چنین وظایفی جا دارد موقعیت مهره های اصلی چهره فراکسیونی را هم از نظر بگذرانیم. یکی از آنها بهال‌الدین ادب، اهل شهر سنندج و کسی است که در دوره دیکتاتوری شاه سرمایه بزرگی بهم زد و با پناه بردن به زیر حاکمیت سیاه اسلامی، توانست به ثروتهای بادآورده دیگری دست یابد. ادب، گرچه در ظاهر میکوشد خود را مستقل نشان دهد ولی در واقع از ابتدا از عوامل جناح راست بوده است که در این اواخر با وضع پریشانی که رژیم جمهوری اسلامی به آن دچار شده است، حتی از آویزان شدن به خاتمی اجتناب میکند. مهره دوم، جلال جلالی زاده، همین بس که او یکی از ملازادگان اهل پایه است که از همان اوایل حاکمیت اسلامی، مسیر وفاداری به سنگر (مسجد) و جمهوری اسلامی را خالی نگذاشته است. جلالی زاده، در عین حال برای خدمتگزاری به رژیم، تلاش کرده است با راه انداختن نشریه کردی زبان سیروان، ناسیونالیسم کرد را هم با خود پشت جمهوری اسلامی ببرد. بعلاوه او معاون استاندار کردستان، عضو شورای رهبری حزب مشارکت، نماینده مجلس شورای اسلامی و از

### لیست کمک مالی به کمیته کردستان

نام	مبلغ
کانادا	
کمک مالی جمع آوری شده توسط رفقا صلاح ایران دوست ویدا	۲۰۰ دلار
منوچهر سهرابی	۲۰۰ دلار
عبدالله کهنه پوشی	۱۰۰ دلار
محمد عزیز پیغمبرنژاد	۵۰ دلار
مسعود و ناهید	۴۰ دلار
آرز پویا	۲۰ دلار
اقبال نظرگاهی	۲۰ دلار
شایسته	۲۰ دلار
مهرداد نصب مقدم	۱۰ دلار
جلال برخوردار	۱۰ دلار
موسی یوسفی	۱۰ دلار
یدی محمودی	۱۰ دلار
کیومرث سنجر	۱۰ دلار
افشین رها	۱۰ دلار
فروغ بهرام	۱۰ دلار
لیمو عثمان ویسی	۵ دلار
فنلاند	
کمک جمع آوری شده توسط اسماعیل ویسی جمال فاطمی	۵۰۰ دلار
قادر قادرزواره	۱۰۰ دلار
کریم مرادی	۲۰۰ دلار
حسین جانه ای	۱۰۰ دلار
تورج صالح شیرخانی	۱۰۰ دلار
	۳۰۰ دلار

## دم خروسی یا قسم حضرت عباس؟

(در مورد اطلاعیه دفتر سیاسی حدکا)



خالد حاج محمدی

نتیجه محاکمات شرکت کنندگان کنفرانس برلین عکس‌العملهای مختلفی را در میان احزاب و جریانات سیاسی برانگیخت. دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران (حدکا) نیز در این میان طی اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۴ ژانویه ۲۰۰۱ به این موضوع پرداخته است. حدکا در اطلاعیه‌اش بدنبال توضیحاتی در مورد کنفرانس برلین و اینکه این افراد با موافقت کاربدستان رژیم اقدام به شرکت در این کنفرانس نموده‌اند، میگوید: «ب> راستی مجرم شناختن این دسته از فرزندان دلیر خلقهای ایران به بهانه اقدام علیه امنیت کشور مایه شگفتی، تعجب و در همان حال تمسخر است. بنا بر این بر همه روشن است که آنچه موجب محاکمه و محکوم نمودن شرکت کنندگان در کنفرانس برلین گشته است، از سویی اظهار نظرهای صریح

و بی‌پاکانه و افشای بخشی از سیاستها و عملکردهای ضد خلقی کاربدستان رژیم از سوی دیگر... آنچه مسلم است محاکمه این جماعت به جرم شرکت در یک کنفرانس و اظهار نظر در آن محکوم است. بعلاوه بخشی از این آدمها از مهره‌های خود رژیم و برای نشان دادن چهره کمتر خشن از جمهوری اسلامی در دنیای غرب اعزام شده بودند. وظیفه اصلی این کنفرانس و شرکت کنندگان عادی سازی روابط ایران با دنیای غرب و به حاشیه راندن مخالفین و کل اپوزیسیون جمهوری اسلامی بود. بخشی از فرزندان "دلیر" خلقهای مورد نظر حدکا، جانانه از سیاستهای جمهوری اسلامی دفاع کردند و در این راه حتی به جنایاتی که خود راسا در آنها دست داشته‌اند، با کمال پرورئی افتخار کردند. معلوم

نیست چرا سرکار پاسدارهایی چون جلالی‌پور که سال ۶۲ از مسئولین و دست اندرکاران اعدام ۵۹ نفر درمهاباد است و در جریان قتل عامهای سال ۵۹ قارنا و قلاتان و دادگاههای صحرای خلخالی، فرماندار و نماینده قابل اعتماد "امام" در مهاباد بود و حتی در همین کنفرانس برلین به جنایت هولناک آنزمان و ایثارگریهایش افتخار میکرد، شأن و قریب چنان نزد حدکا بالا رفته که باید مردم ایران و بازماندگان آن فجایع هولناک، او را فرزند دلیر خود بدانند؟ بخشی از این آدمها خود تا کنون بارها اعلام کرده‌اند که وظایف اسلامی خود را در

دفاع از جمهوری اسلامی در کنفرانس برلین پیش بردند و به آن افتخار میکنند. کسانی از قماش رئیس دانا بدنبال کنفرانس برلین هم وظیفه پرونده پاپوش دوزی علیه اپوزیسیون سرنگونی طلب رژیم را کماکان دنبال کرد. حال معلوم نیست انتقادهای صریح و بی‌پاکانه آنها از جمهوری اسلامی کدام بوده است که جز حدکا تا کنون به گوش کسی، نه در کنفرانس برلین و نه بعد از آن نرسیده است؟ آیا این چیزی غیر از تملق گویی دفتر سیاسی حدکا در دفاع از مهره‌های دوم خرداد نیست؟ حدکا تاکنون بارها سیاستهای خود را در دفاع از خاتمی و دوم خرداد و از جمله تلاش خود برای شرکت مردم در "انتخابات" مجلس ششم و شوراها را به رخ زده کرده است. آقای عبدالله حسن زاده در تاریخ ۴ ژوئیه ۲۰۰۰ میگوید: "آقای خاتمی به مردم گفته است ساکت باشند، ما هم میگوییم مردم ساکت باشند به این معنا که خشونت بکار نبرند." از این واضحتر میتوان از زبان دبیر کل حدکا هم درست در شرایطی که مردم به میدان آمده‌اند تا عاملین خشونت را کنار گذارند و به بیش از ۲۱ سال جنایت حکومت اسلامی ایران خاتمه دهند، وفاداری به دوم خرداد و رئیس جمهور آن را نشان داد؟ در اطلاعیه دفتر سیاسی، حزب دمکرات ظاهرا میگوید امید به جناحهای رژیم چیزی جز خود فریبی نیست. اما سوال این است، اگر واقعا حدکا خود در تلاش برای نزدیکی به دوم خرداد مایوس شده است و دیگر نمیخواهد خودفریبی کند، دفاعیات جانانه‌اش از مهره‌های دوم خرداد را چکار خواهد کرد؟ دفاعیات عبدالله حسن زاده از رژیم و خوش رقصی برای دوم خرداد و مجلس ششم و مواضع تاکتونی خود را چگونه توجیه میکند؟ بلاخره مردم دم خروسی را باور کنند یا قسم حضرت عباس؟

۳۱ ژانویه ۲۰۰۱

## ذوق زدگی عبدالله مهتدی از توافق با حزب دمکرات

ایرج فرزاد

سلسله مقالات و بحثهای کشف عبدالله مهتدی در مورد "تقش و موقعیت کومهله در جنبش کردستان" بالاخره با اعلام یک موضع آشکارا ناسیونالیستی به سرانجام خود رسیدند. در بخش دوم یکی از این سری نوشته‌ها کافی است به این دو پاراگراف کوتاه که در واقع جوهر "بازسازی" جماعت عبدالله مهتدی را هم نشان میدهد توجه کنید:

"بحث بر سر انتخاب بین یکی از دو شق یعنی حق ملل در تعیین سرنوشت از یک طرف و برنامه یا پلاتفرم اثباتی برای حل مسالمتی ملی در شرائط زندگی مشترک ملتها از طرف دیگر نیست، بلکه بر سر لزوم طرح یا برنامه‌ی اثباتی علاوه بر حق تعیین سرنوشت است."

"خودداری از ارائه‌ی یک برنامه اثباتی در قبال خواستهای خلق

پلاتفرم مشترک در این زمینه در جریان بوده و آن‌ها نیز توافق کلی و اصولی در این مورد دارند." (تاکیدها از من اند)

بحث ظاهرا با ابراهیم علیزاده است اما مساله اساسی کشیدن یک خط صریح و روشن با راه حل کمونیسم کارگری در قبال مساله کرد است. و عبدالله مهتدی بسیار آگاهانه و با هدفی دوگانه چنین مسیری را دنبال کرده است:

از طرفی به ابراهیم علیزاده میتازد که در رابطه با مساله کرد باید تکلیف خود را روشن کند، یا باید موضع کمونیسم کارگری را صریح و بدون ابهام و قاطعانه اتخاذ کند و یا اگر از "خودمختاری" بعنوان راه حل مساله کرد هر از گاهی نیز سخن به میان می‌آورد، از حق تعیین سرنوشت، حق برابر شهروندی و رفاندوم دست بردارد.

از طرف دیگر رو به ابراهیم علیزاده اما در واقع خطاب به حزب دمکرات و جمهوری اسلامی، هردو، اعلام میکند که در مرزبندی‌هایش با کمونیسم کارگری همه پلهای پشت سر خود را خراب کرده است و بویژه بعد از ماجرای بازسازی راه بی بازگشتی را انتخاب کرده است. عبدالله مهتدی به زبان بی‌زبانی گفته‌است اهل معامله است و هیچ ارتباطی با کومهله کمونیست و انقلابی ندارد!

عبدالله مهتدی تصمیم خود را برای پیوستن به بستر اصلی ناسیونالیسم کرد و احزاب آن، از جمله حزب دمکرات، گرفته است. تصمیم گرفته است که طرح "اثباتی" خود با حزب دمکرات را پیگیری کند. فلسفه ابراز نفرت از کمونیسم کارگری و تاکید چندین باره بر "جنبش کردستان"، توجیه "تئوریک" و ایدئولوژیک این منفعت زمینی ناسیونالیستی است. سالها پیش، در دوره تدارک تشکیل حزب کمونیست ایران، در سمینار شمال کادراهای کمونیست، خالد عزیزی کادر کومهله در ناحیه اشونیه، با کرد، کرد گفتن، بحث حزب کمونیست "کردستان" را بعنوان

\*\*\*

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## درگیری مردم مریوان با مزدوران رژیم

روز یکشنبه ۱۶ بهمن در محله ترخان آباد شهر مریوان، جلو دبیرستان دخترانه اندیشه مزدوران رژیم جلو دوجوان را میگیرند و می‌خواهند آنها را با خود ببرند. مزدوران با مقاومت دو جوان روبرو شدند اما با رسیدن چند مزدور دیگر موفق می‌شوند دوجوان را دستگیر کنند. در این هنگام مردم محله دخالت میکنند و با تجمع شمار بیشتری از جوانان که خواهان آزادی دستگیر شدگان می‌شوند، مزدوران رژیم زیر تعرض مردم خشمگین قرار میگیرند. برای مقابله با مردم نیروی کمکی به محل اعزام میشود، اما درگیری و کتک زدن مزدوران ادامه مییابد. خبر درگیری به سرعت می‌پیچد و مردم دیگر محلات شهر خود را به محل میرسانند و جوانان دستگیر شده را آزاد می‌کنند. نیروهای مزدور انتظامی با مشاهده خشم مردم و شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "مرگ بر مزدوران"، سوار خودروهایشان شده و فرار میکنند. مردم با چوب و سنگ دنبالشان می‌کنند و با در کنترل گرفتن محله و دادن شعار، به تجمع و گفتگو در مورد چگونگی تعرض به مزدوران

### مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ بهمن ۱۳۷۹  
۶ فوریه ۲۰۰۱

## به پیشواز ۸ مارس برویم!

### حجاب های اسلامی را بسوزانید!

— هاله طاهری —

آرروزها را بیاد آورید که چه جوش و خروش عظیمی همه شهرها را فرا گرفته بود. ۸ مارس در راه بود و همه جا صحبت از برابری زنان و مردان، مزد برابر در ازاء کار برابر، دایر کردن مهد کودک های رایگان، برانداختن عقب ماندگی های ملی و مذهبی و در یک کلام حضور همه جانبه زنان در تمام عرصه ها بود. ساعتها بحث، ساعتها کار و تلاش بی وقفه، ساعتها شور و شوق، تماس و مرادوه با زنان در محلات کارگری و فقیر نشین و تلاش برای مبارزه متحدانه خستگی نمی شناخت. این تلاشها را باید به حساب جنبش زنان و مردانی نوشت که هزار هزار به جوخه های اسلامی

فرستاده شده یا در سیاهچالهای رژیم به اسارت در آمدند. جانیان اسلامی فقط با چنین توحش‌هایی حکومت خود را تاکنون نگاه داشته‌اند. اما مبارزه برای یک زندگی امروزی و تلاش برابری طلبانه مردم ایران هیچگاه توقف نکرده است. روند رو به گسترش مبارزات اخیر در سراسر ایران و بویژه در کردستان حاکی از آن است که جنبش سرنگونی طلبی مردم وارد دوره جدیدی گردیده است. رژیم در بحرانی لاعلاج گرفتار است. و به آخرین تقلاهای ممکن دست می‌زند. برای صدمین بار و دیوانه وار به حکم شنیع اعدام و نمایش آن در ملا عام متوسل شده است

## مضحکه دولتی ۲۲ بهمن رابه اعتراض

### علیه رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

۲۲ بهمن ۵۷ روز پیروزی انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران علیه اختناق آریامهری است. این روزی است که مردم ایران سلطنت و دم و دستگاه ساواک و فرمانداریهای نظامی را شکست دادند. این روز پیروزی مردمی است که برای آزادی و عدالت و یک زندگی بهتر پا به میدان انقلاب گذاشتند. خمینی و جریان اسلامی کوچکترین ربطی به انقلاب ۵۷ ندارند. اینها آمدند تا کار ناتمام رژیم شاه را تمام کنند. اینها برای سرکوب خونین انقلاب به جلو صحنه رانده شدند. اینها قاتلین انقلاب و کمونیستها و آزادیخواهان و ناجی نظام سرمایه داری ایران در انقلاب ۵۷ هستند. تاریخ تولد رژیم اسلامی خرداد ۶۰ است.

### مردم آزادیخواه!

رژیم اسلامی در حالیکه در بحرانی همه جانبه، استیصالی عمیق و بی‌افقی کامل دست و پا میزند، میخواهد روز ۲۲ بهمن نمایش و مضحکه

و احکام سنگسار زنان را صادر کرده است. اعتراضات مردم اما نشانی از فروکش ندارد و سلاح ارباب اسلامی دارد زنگ میزند و از دست یک مشت قاتل اسلامی می‌افتد. این فرصت را نباید از دست داد!

روز جهانی زن نزدیک است، این روز بزرگ را زنان کارگر و مبارز آمریکا برای ما به یادگار گذاشته اند تا همه ساله فریادهایمان را یک صدا به گوش جهانیان برسانیم. آنها رهایی و برابری کامل و بر اندازی نظام سرمایه داری را فریاد زدند. برای این امر مهم قربانی ها دادند ولی لحظه ای تردید نکردند که پیروزی از آن آنهاست. این روز برای ما هم همین جایگاه را دارد. روزیست که ما یک صدا فریاد بر می آوریم که ما انسانهای برابر با مردانیم. آزادی بی قید و شرط انتخاب پوشش را همین الان می خواهیم. از هیچ کس و هیچ ارگانی برخوردار نخواهیم. مرد سالارانه، پدر سالانه و نابرابر با زنان در هیچ عرصه اجتماعی را نمی‌پذیریم. کار برابر در مقابل مزد برابر، انتخاب همسر! انتخاب شغل

دولتی براه اندازد. قاتلین و کاربدستان حکومت اسلامی قرار است در باب اسلام و خمینی به منبر بروند و مردم تشنه آزادی، زنان و جوانان منتفر از نظام اسلامی و کارگران بیجان آمده از فقر و بیحقوقی را به آرامش دعوت کنند. مدتها است اما که خودشان هم بیهوده بودن این تقلاها را میدانند. عمر رژیم اسلامی بسر آمده است. انقلاب بعدی، انقلابی برای آزادی و رفاه و برابری در راه است. با بهم زدن مراسمهای دولتی و برپائی تجمعات اعتراضی، مضحکه دولتی ۲۲ بهمن را به اعتراض علیه بیست سال خفقان و سرکوب تبدیل کنیم.

### مرگ بر ضد انقلاب اسلامی زنده باد انقلاب زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ بهمن ۱۳۷۹  
۸ فوریه ۲۰۰۱

بقیه افراد خانواده و مردان دعوت کنید که شرکت کنند، در مدرسه، در محیط کار، هر کجا هستید، حجاب و روسریها را از سر بردارید. به دیگران هم این توصیه را بکنید که این کار را بکنند. بیاید یک بار دیگر و این بار خیلی وسیع تر تجربه سال قبل را تکرار کنیم. در محله و یا هرکجا که دور هم هستید حجاب این سمبل اسارت زن، و این نشانه فاشیسم اسلامی را آتش بزیند. آری! آتش بزیند.

بدون روسری و مانتو در جشنها و جمع هایتان به رقص و پایکوبی بپردازید. برای زنان دیگر که جرات این کار را هنوز پیدا نکرده اند توضیح دهید که کسی قرار نیست روسریها را از سرمان بردارد و ما را از زیر بار قوانین اسلام و اسارت اسلامی سرمایه رها کند. این خود ما هستیم که باید برای رهاییمان تلاش کنیم.

بیاید این روز را به روز مبارزه متحدانه مان علیه حجاب و قوانین اسلامی تبدیل کنیم. بیاید که طنین مارش مبارزه سراسریمان را به گوش جهان برسانیم.

### زنده باد ۸ مارس!

حق مسلم ماست. بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در جامعه حقوق مسلم انسانی خود را می‌خواهیم. حجاب را به زور اختناق اسلامی و زنجیر چرخانی و قمه‌کشی اراذل و اوباش حزب‌اللهی بر سر زنان کردند، با اینحال بعد از بیش از بیست سال توحش اسلامی، اما آیا سکوت کردند؟ سال گذشته را هیچ کس فراموش نخواهد کرد که چطور در ۸ مارس دختران و زنان بیزار از حجاب و تحقیر اسلامی روسریها را بدور انداختند و آنها را آتش زدند. زنان را از مردان در هر کجا که قدرتشان رسید جدا کردند تا مبادا متحد شوند و با هم به اعتراض بپردازند ولی آیا توانستند؟ مگر صدای آنها را از زندانهای در بسته، از کارگاهها و در کارخانهها، در خیابانها و در مدارس نمی شنوند؟

وقتش رسیده است، نباید درنگ کرد. روز جهانی زن در راه است و باید یک کار جدی کرد. در این روز در تجمع ها و مراسمهای ۸ مارس به هر طریق ممکن شرکت کنید، جشنهایی ترتیب دهید و از